

شنون رسالت پیامبر(ص) از دیدگاه قرآن کریم

علیرضا حلم زاده*

مقدمه

رسول اکرم (ص) در منظر قرآن، شخصیتی بی‌همتاست. وی پایان بخش سلسله پیامبران^(۱) و بنیانگذار شریعتی است که تا ابد، همه انسانها را در تمام زمانها و مکانها در پرتو رهبری و هدایت خود قرار می‌دهد^(۲).

پیامبر(ص) به افتخار برخورداری از خلق عظیم^(۳)، اسوه^(۴) همه مومنان است. خدای-عزوجل- به سبب بعثت آن حضرت بر مؤمنان منت نهاده است^(۵) و فرمان بردن از وی را واجب‌ترین وظائف مسلمانان دانسته^(۶) و پذیرش داوری او را در کشاکشها نشانه ایمان شمرده است^(۷).

اطاعت از پیامبر(ص) شرط لازم برای مجبوبیت نزد خداوند است^(۸) و احترام وی^(۹) با یاری رساندن و توقیر حضرتش^(۱۰) تا بدانجا بر مسلمانان لازم است که حتی از آنکه آهنگ کلامشان بر سخن پیامبر(ص) فزونی داشته باشد، نهی شده‌اند^(۱۱). پیامبر اسلام (ص) نسبت به مسلمانان، از خود آنان سزاوارتر است^(۱۲) و هیچکس در برابر حکم خدا و پیامبر اختیار ندارد^(۱۳).

* مربی و عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

- | | |
|-------------------|------------------|
| ۱- احزاب، ۴۰. | ۲- فتح، ۲۸. |
| ۳- قلم، ۴. | ۴- نساء، ۵۹. |
| ۵- آل عمران، ۱۶۴. | ۶- نساء، ۵۹. |
| ۷- نساء، ۶۵. | ۸- آل عمران، ۳۱. |
| ۹- توبه، ۳۱. | ۱۰- فتح، ۹. |
| ۱۱- حجرات، ۲. | ۱۲- احزاب، ۲. |
| ۱۳- احزاب، ۳۶. | |

بنابراین شناختن شخصیت و ویژگیهای پیامبر اسلام بر همگان بویژه مسلمانان فرض عین است. به عنوان بخشی از معرفت یادشده، پژوهش حاضر به بررسی ابعاد رسالت پیامبر اکرم(ص) می‌پردازد تا شنون و وظائف اصلی آن حضرت(ص) را نمایان سازد.

شنون رسالت نبی اکرم(ص)

در قرآن کریم از وظائف و اهداف رسول اکرم(ص) با تعابیر گوناگون سخن رفته است که از آن جمله‌اند:

- نبی: یا ایهاالنبی بلغ ما انزل الیک. (۱)
 رسول: محمد رسول الله و الذین معه. (۲)
 مذکر: فذکر انما انت مذکر. (۳)
 نذیر و بشیر: ان انا الانذیر و بشیر لقوم یؤمنون. (۴)
 هادی: انک لتهدی الی صراط مستقیم. (۵)
 داعی: و داعیاً الی الله باذنه. (۶)
 ولی: انما ولیکم الله و رسوله. (۷)
 حاکم: لتحکم بین الناس بما اریک الله. (۸)

در شماری از آیات قرآن، وظائف دیگری نیز بر اینها افزوده شده است؛ مانند وظائف تبیین رسالت، امر به معروف و نهی از منکر.

حال به بررسی چند مسأله می‌پردازیم؛ نخست اینکه نظم و ارتباط منطقی میان شنون و وظائف یادشده پیامبر اکرم(ص) کدام است؟ دیگر اینکه چگونه است که گاهی پیامبر(ص) تنها با عنوان مذکر نامیده می‌شود، گاه تنها به عنوان نذیر و بشیر، گاه با عنوان ولی و گاهی با اوصافی دیگر؟!

- | | |
|--------------|---------------|
| ۱- مائده، ۶۷ | ۲- فتح، ۲۹ |
| ۳- غاشیه، ۲۱ | ۴- اعراف، ۱۸۸ |
| ۵- شوری، ۵۲ | ۶- احزاب، ۴۶ |
| ۷- مائده، ۵۵ | ۸- نساء، ۱۰۵ |

هر چند متکلمان و بویژه اهل تفسیر - در ذیل آیات مربوط به این اوصاف مباحثی را دربارهٔ شئون یاد شده مطرح ساخته‌اند، لکن کمتر کسی تمام آنها را در کنار هم بررسی کرده‌است.

نخست به دو تعبیر مشهور و وظیفه‌مندی و مأموریت الهی پیامبر می‌پردازیم:

نبوت و رسالت

در میان دانشمندان اسلامی اختلافی در این نیست که 'نبوت' نخستین و بارزترین شأن پیامبر است، اما در بیان معنای آن و فرقی که با 'رسالت' دارد سخن بسیار است.

دربارهٔ لغت 'نبی'، راغب اصفهانی گوید: 'نبی بدون همزه است و نحویان گفته‌اند که این کلمه در اصل دارای همزه بوده و سپس آن را از کلمه افکنده‌اند.'^(۱)

فراهیدی کهن‌ترین لغت نویس تاریخ اسلام (۱۰۰-۱۷۵ هـ.ق) می‌نویسد: 'نبوة، اگر در حدیث نیامده باشد، همزه می‌گیرد؛ یعنی نبوءه نوشته می‌شود.'^(۲)

'نبی' دارای یک معنای عام است که پیامبران یکی از مصادیق آنند و یک معنای خاص نیز دارد که تنها بر پیامبران اطلاق می‌شود. توضیح معنای عام نبی به گفتهٔ راغب، از این قرار است: 'نبی از نبوت به معنای رفعت است و نبی را به سبب جایگاه بلند او نسبت به سایر مردم بدین نام خوانده‌اند.'^(۳)

'ابن منظور' آورده است که نبوه بر پاداشتن و بر افراشتن است و می‌گوید النبوة و النباوة و النبى، هر سه به معنای آن چیزی است که برتر از سطح زمین است... و نبی، نشانه‌ای است از علائم زمین که راه بدان شناخته می‌شود.'^(۴)

فراهیدی نیز نبی را به معنای راهی که انسان را به مقصد مطلوب خود می‌رساند آورده است.^(۵) و کسایب گفته‌است: 'النبی الطریق، و الانبیاء، طرق الهدی.'^(۶)

۱- اصفهانی، راغب؛ مفردات الفاظ قرآن؛ ص ۴۸۲.

۲- فراهیدی؛ العین؛ ج هجرت، ج ۸، ص ۳۸۲. ۳- مفردات الفاظ القرآن؛ ص ۴۸۲.

۴- لسان العرب؛ ذیل نبوه. ۵- العین؛ ص ۳۸۲.

به طور خلاصه، نبی بدون همزه نوشته می‌شود و درباره معنای لغوی آن دو نظر وجود دارد: اول آنکه این کلمه از 'نباوه' به معنای 'آنچه از سطح زمین بالاتر است' گرفته شده است. در این صورت، اصل آن بدون همزه است و نبی بر وزن فعلیل به معنای مفعول است^(۷) و صفت مشابهه شمرده می‌شود. این نظریه همان قول به معنای عام نبی است که پیامبران را نیز در بر می‌گیرد. اما نظر دوم آن است که نبی از نبأ گرفته شده و به معنای 'مخبر عن الله' (خبر دهنده از خداوند) است که در اصل همزه داشته و در استعمال، همزه آن ترک شده است. نکته مهمی که از خلال مطالب بالا بدست می‌آید این است که از هیچیک از معنای لغوی نبی این مفهوم بر نمی‌آید که "نبی کسی است که از حقایق اطلاق دارد اما وظیفه ابلاغ آنها را ندارد".

معنای لغوی رسول، از رسل است که به گفته راغب به معنای برانگیختن با نرمش و ملایمت است. رسول هم دارای معنایی عام است و هم معنایی خاص.

معنای عام رسول شامل موارد زیر است:

(الف) سخنی که برده می‌شود و به مقصدی می‌رسد؛

(ب) برنده سخن و حامل پیام که صاحب رسالت است.

مراد از رسل خداوند، فرستادگان اویند اعم از فرشتگان و پیامبران^(۸) و معنای خاص رسول، پیامبر، به مفهوم اصطلاحی معروف آن، یعنی فرستاده از جانب خداست. با توجه بدانچه گفته شد میان نبی و رسول عموم و خصوص من وجه، برقرار است و پیامبران آنجا که هم نبی و هم رسول هستند، به معنای فرستاده خداوند و خبردهنده از اویند؛ پس در این حالت فرقی میان نبی و رسول جز در نامگذاری نیست. بسیاری از دانشمندان نیز براینکه نبی عهده‌دار وظیفه تبلیغ است، تصریح کرده‌اند. حکیم عبدالرزاق لاهیجی می‌نویسد: "نبی عبارت است از انسان مبعوث از جانب خدا - جل جلاله - به جهت تبلیغ او امر و نواهی از به بندگان، اعم از اینکه صاحب شریعت علی

۶- لسان العرب؛ ج ۱۴، ص ۲۰۰.

۷- محدث قمی؛ الدار النظیم فی نغات القرآن العظیم؛ ص ۲۲۱.

۸- مفردات الفاظ قرآن؛ ص ۱۹۵.

حده باشد یا نه، و اعم از اینکه کتاب آسمانی براو نازل شده باشد یا نه.^(۱)

حاج ملاحادی سبزواری نیز در معنای ولایت، نبوت و رسالت بر آن است که: ولایت، اطلاع بر حقایق الهیه است، از معرفت ذات و صفات و افعال به نحو شهود، و نبوت هم این است مع شئی‌زائد که تبلیغ احکام و تأدیب به آداب و اخلاق و قیام به سیاست باشد و از اینجاست که هر نبی، ولی است و عکس نیست و رسول آن است که با اینها کتاب سماوی هم داشته باشد.^(۲)

علامه حلی نیز نبی را کسی می‌داند که بدون واسطه از خداوند خبر می‌دهد.^(۳) از نظر قرآن، میان نبی و رسول از حیث وظایف و مسئولیتهای اجتماعی تفاوتی مشهود نیست. البته هر نبی و رسول، بسته به شرایط و مقتضیات و آمادگی قوم خود، دامنه هدایت خود را تنگتر یا گسترده‌تر می‌ساخت:

«و کأین من نبی قاتل معه ربيون كثيراً...»^(۴)

از بررسی این آیات، به این نتیجه می‌رسیم که نبی و رسول، هر دو برای اطاعت شدن آمده‌اند؛ هر دو بشیر و نذیرند؛ هر دو جهاد می‌کنند و خداوند به هر دو وعده نصرت و غلبه داده است. در اصل «دویی» در کار نیست؛ هر دو «یکی» بیش نیستند و نبوت و رسالت، دو تعبیرند که گویای یکی از شئون پیامبر، یعنی دریافت و ابلاغ وحی به منظور هدایت انسانها است.

هدایت

اوصاف و تعابیر متعددی در قرآن کریم وجود دارد که نوع وظیفه و رسالت پیامبر و هدف بعثت او را نشان می‌دهد (مانند: داعی الی الله، بیرون آورنده مردمان از ظلمات به سوی نور و سراج منیر) اما برجسته‌ترین و مأنوس‌ترین اصطلاحی که در این میان وجود دارد کلمه «هدایت» است.

۱- لاهیجی، عبدالرزاق؛ سرمایه ایمان، ص ۸۵ ۲- سبزواری، ملاحادی؛ اسرار الحکم، ص ۳۷۲.

۳- علامه حلی؛ الباب الحادی العشر؛ مؤسسه مطالعات اسلامی، ص ۳۴.

هدایت، به گونه‌ای روشن، سایر صفات و خصایص را در بر می‌گیرد و علاوه بر همه آنها نشان دهنده رهبری نیز هست. هادی هم رهنا و هم رهبر است. متکلمان، هدایت را به دو بخش و یا مرحله تقسیم کرده‌اند؛ به عبارت دیگر هدایت را به دو معنا به کار برده‌اند:

(الف) ارائه طریق: نشان دادن راه، راهنمایی.

(ب) ایصال الی المطلوب یا رهبری تا رسیدن به مقصود.

قرآن کریم می‌فرماید: هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون. (۱)

همچنان که از این آیه کریمه برمی‌آید، پیامبر اسلام (ص) با دو مأموریت مبعوث شده‌است: هدایت و حرکت در جهت اجرا و غلبه دین حق. همچنین از این آیه و آیات فراوان دیگر، استفاده می‌شود که حضرت رسول اکرم (ص) ابتدا در جهت بیدارسازی، آگاهی دادن و نشان دادن راه حق و معنویت و کمال گام برداشت و پس از پیوستن بیداردلان و آگاهان و راه یافتگان به حضرتش، ایشان را تحت سرپرستی و ولایت و رهبریهای متعالی خویش قرار داد. از این نظر می‌توان گفت که وظیفه الهی پیامبر(ص) دو جهت داشت: که "هدایت" یا راهنمایی و "ولایت" یا رهبری.

باید توجه داشت که هدایت، در حقیقت شأنی از شنون خداوند است و کاربرد آن در باره دیگران مجازی است.

انک لاتهدی من احببت و لکن الله یهدی من یشاء و هو بالمهتدین. (۲)

هدایت پیامبر(ص) در دو بستر کلی تعلیم و تزکیه قرار دارد و ابعاد گوناگون وجود انسان (عقل و قلب و جوارح) را در پرتو خود قرار می‌دهد.

شیوه‌های هدایتی پیامبر اکرم(ص) متنوع و کار ساز است و اهم آنها از این قرار

است:

- اسوه بودن:

- استدلال و محاجه؛

- ابلاغ و بیان و تعلیم؛

- موعظه؛

- امر به معروف و نهی از منکر؛

- انذار و بشارت؛

- فراهم ساختن محیط مناسب برای رشد انسانها؛

- پیوند دادن مردم با خدا (از طریق شناخت صحیح، نکر، دعا، محبت و ...).

یکایک شیوه‌های یاد شده، مباحث قابل توجه، حساس و ارزشمندی را می‌طلبد که

در عمل، نتایج بسیار سودمندی را به دنبال دارد.

ولایت

ولاء و توالی به معنای از پی آمدن دو چیز و قرار گرفتن آنها در کنار یکدیگر است، به گونه‌ای که چیزی خارج از آن دو در میانشان فاصله نشود. این تعبیر به استعاره برای نشان دادن نزدیکی در مکان یا نسبت میان دو چیز و یا قرب و نزدیکی و دین و دوستی و یاری و اعتقاد به کار می‌رود. "ولایت" به معنی یاری و نصرت، و "ولایت" به معنی "سرپرستی و متولی کاری شدن" استعمال می‌شود.^(۱)

ولایت در بعد باطنی خود، تقرب به خداوند و نوعی ارتباط ویژه میان اولیاء یا ولی مطلق، یعنی خداوند - جل جلاله - است و در بعد اجتماعی و سیاسی، حق ولایت، مولود شأن هدایت است. هادی از جانب خداوند، ولی از جانب او نیز هست و این حقیقت در اشکال گوناگونی همانند زعامت سیاسی، داوری در منازعات و هرگونه تصمیم‌گیری اجتماعی و فردی دیگر ظاهر می‌شود.

ولی مطلق، خداوند است و ولایت اولیا نه در عرض ولایت خداوند و نه در طول آن است؛ یعنی ولایت الهی به کسی تفویض نمی‌شود؛ زیرا اطلاق ولایت الهی، مجال و خلئی را باقی نمی‌گذارد تا با ولایت دیگری پر شود؛ ولایت اولیا، مظهر و مجلای ولایت خداوند

است.^(۱)

ولایت را به دو نوع ولایت تکوینی و تشریحی تقسیم کرده‌اند. ولایت تکوینی نوعی ولایت است که مرتبه‌ای از آن به همه انسانها داده شده‌است به وسیله آن است که در اعضا و جوارح خود، اختیاری داریم و قادر به حرکت دادن و یا متوقف کردن دست و پا و زبان و امثال آن هستیم. اما مراتب بالاتر آن شامل قدرت تصرف در خارج شدن از بدن باشد، در اختیار کسانی است که از طریق عبودیت، مدارج بالاتری را در تقرب الی الله طی کرده‌باشند و به گفته علامه طباطبایی (ره): "عبودیت کلید ولایت الهی است".

ولایت تشریحی، ویژه خداوند است و به کسی تفویض نشده و اطلاق ولایت تشریحی داشتن برای پیامبر و امام - علیه السلام - با مسامحه است و ایشان حق ابلاغ پیام و احکام الهی و تعلیم آن را دارند، چه از طریق قرآن، چه از طریق حدیث قدسی. همچنانکه اشاره شد. ولایت الهی در اشکال گوناگون پدیدار می‌گردد و ریاست همه آنها در شأن امامت است.

امام، قافله سالار کاروان اهل ولایت است. برای امام، ولایت تدبیر و سرپرستی مؤمنان از جانب خداوند تشریح شده‌است و آیه شریفه "اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم"^(۲) بدان اشاره دارد.

در کلام شیعی، نصوصی که در بحث از امامت مورد استناد قرار می‌گیرد معمولاً همان نصوص بحث ولایت است و از این روست که هم ولایت و هم امامت دارای سه جنبه مهم از قرار زیر است:

- رهبری دینی:

- رهبری و زعامت سیاسی:

- رهبری معنوی. به عنوان انسان کامل و حجت.^(۳)

پس از پیامبر(ص) هر یک از این سه زمینه، امام معصوم جانشین وی می‌شود. با این فرق که در جنبه رهبری، بر آنچه پیامبر(ص) به عنوان دین عرضه کرده نه چیزی

۱- جوادی آملی، عبدالله، ولایت در قرآن؛ نشر رجا، ص ۲۶۸-۲۸۸.

۲- نساء، ۵۹. ۳- مطهری، مرتضی؛ امامت و رهبری؛ ص ۲۲۳.

می‌افزاید و نه می‌کاهد. در نهایت احکامی را که پیامبر(ص) در حیات خود، مجال بیان و تعلیم آنها را نیافت، امام در مواقع مناسب بیان می‌کند.

در جنبه رهبری و زعامت که از آن به سیاست و حکومت و ریاست عامه نیز تعبیر می‌شود، وظیفه امام و حاکم، هدایت و رهبری اجتماع به منظور اقامه قسط و اجرای عدالت است.

قلمرو ولایت به معنای حکومت در اجرای احکام و قوانین است نه در اصل قانونگذاری؛ زیرا قانونگذاری، ولایت بر تشریح است که مختص خداست و ابلاغ آن به رسالت برمی‌گردد. تنها اجرای احکام و قوانین است که انجام آنها وظیفه حاکم است.^(۱)

نتیجه

نبی و رسول، به معنای پیامبر، در قرآن دارای مصداق واحد و مشترکی است. پیامبر اکرم(ص) از جانب خدا به نبوت فرستاده شده است. وظیفه بزرگی که بر عهده آن حضرت است هدایت انسانهاست که مرحله نهایی و کمال بخش آن، یعنی رساندن به مطلوب و هدف عالی اسلام به رهبری و ولایت مربوط می‌شود و می‌توان گفت که هدایت و ولایت - که مولود شأن هدایت است - موضوع رسالت پیامبر(ص) را تشکیل می‌دهد. حق ولایت که از آن در موضع رهبری به امامت یاد می‌شود، در سه جنبه قابل طرح و بحث است: رهبری دینی، رهبری سیاسی و رهبری معنوی؛ بنابراین رسول اکرم(ص) به اعتبار النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم در هر سه جنبه یاد شده حق ولایت کامل بر مردمان را دارد.